

تاریخ کامل ایران

قبل از اسلام

عمر پیرنیا

پس از اسلام

عباس اقبال آشتیانی

خاندان پهلوی

پیام امین

سرشناسه
عنوان و نام بدیدآور : تاریخ ایران قبل از اسلام / حسن پیرنیا. - تاریخ ایران پس از اسلام / عباس اقبال آشتیانی. - خاندان پهلوی / پیام امین
مشخصات نشر : تهران: زرین، آرا ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری : ۱۰۷۲ ص. مصور.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۴۴-۷۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا.
موضوع : ایران - تاریخ.
شناسه افزوده : اقبال آشتیانی، عباس، ۱۲۷۵ - ۱۳۳۴.
شناسه افزوده : پیام امین 1355-
رده بندی کنگره : الف ۱۳۹۸ ۲۲ت ۹پ/ ۱۰۹ DSR
رده بندی دیویی : ۵۵.
شماره کتابشناسی ملی : 4325645



تاریخ ایران پس از اسلام
از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه
تألیف : عباس اقبال آشتیانی

تاریخ ایران قبل از اسلام (پیرنیا ق.بم)
یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان
تألیف : حسن پیرنیا (مشیرالدوله)

خاندان پهلوی
تألیف : پیام امین

۱۳۹۸	چاپ اول
۵۰۰ نسخه	شمارگان
اردلان	لیتوگرافی
رفاه	چاپ
۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۴۴-۷۲	شابک

آدرس : تهران - خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه - خیابان وحید نظری - پلاک ۶۱ - طبقه سوم - واحد B34
تلفن : ۶۶۹۷۰۹۶۳-۰۹۱۲۷۰۳۲۷۶۴
حق چاپ برای ناشر محفوظ است
«قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان»

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۱۵	شکل جغرافیایی فلات ایران
۱۹	نژادها: راد، سفیدپوست، مردمان هند و اروپایی
۲۱	آریان‌ها سعبه ایرانی آنها
۲۲	آمدن آریان‌ها، سرت، ایران
۲۴	مذهب آریان‌ها و اخلاق آنها
۲۶	خانواده، طبقات، شکا، کوه ت
۲۸	مختصری از تاریخ عیلام
۲۸	مقدمه
۲۸	حدود عیلام
۲۹	نژاد
۲۹	زبان
۳۰	خط
۳۰	مذهب
۳۱	شهرشوش
۳۱	تقسیم گذشته‌های عیلام
۳۳	عیلام از زمان قدیم تا ۲۲۲۵ ق.م.
۳۳	سومری‌ها و اکدی‌ها
۳۴	مذهب
۳۵	پاتسی‌های سومری
۳۵	اکدی‌ها و سلسله سامی
۳۶	قوت یافتن سومر
۳۷	انقراض دولت سومری به دست عیلامی‌ها

۳۸	کارهایی که سومری‌ها برای بشر کرده‌اند.
۳۸	اوضاع عیلام
۴۰	عیلام از ۲۲۲۵ الی ۷۴۵ ق.م.
۴۰	بزرگ شدن بابل
۴۰	سلسلهٔ اولی
۴۱	سلسلهٔ سوم یا کاشی‌ها
۴۲	سلسلهٔ چهارم یا پاش‌ها
۴۳	سلسلهٔ ششم یا بازی‌ها
۴۴	عیلام از ۷۴۵ تا ۶۰۸ ق.م.
۴۴	در این دوره عرف عیلام آسور است
۴۶	عهد سومر - آسور جدید
۴۶	جنگ‌های آسور با عیلام
۴۷	آسوریانیال و جنگ‌های آن
۴۹	انقراض عیلام
۵۰	خاتمه
۵۲	تاریخ آریانه‌های ایرانی
۵۲	مقدمه
۵۴	یونانیهای قدیم که راجع به تاریخ ایران آثاری از خود گذاشته‌اند.

باب اول: دورهٔ مادی

(۵۶ - ۶۶)

۵۶	مقدمه
۵۸	فصل اول: شاهان ماد
۵۸	دیا آکو و تأسیس دولت ماد
۵۹	فرورتیش
۵۹	هووخشتر
۶۱	لیدیّه
۶۲	ایختویگو

فصل دوم: تمدن مادی ۶۴

باب دوم: دورهٔ اوّل پارسی‌ها
(۱۲۵ - ۶۷)

مقدمه ۶۷

فصل اوّل: شاهان هخامنشی ۶۹

اوّل - کورش بزرگ ۶۹

خروج بر ایختوویگو ۶۹

ت - حیر لیدیّه ۷۰

تسخیر مستعمرات یونانی در آسیای صغیر ۷۲

تسخیر ممالک شرقی ۷۳

تسخیر ایران ۷۴

خصال کوروش ۷۶

دوم - گمبوجیه ۷۷

واقعه بردیای دروغی ۸۰

سوم - داریوش اوّل - بزرگ ۸۲

تشکیلات داریوش ۸۴

تسخیر پنجاب و سند ۸۶

لشگرکشی به اروپا - تسخیر تراکیه و مقدونی ۸۷

جنگ با یونان ۸۸

خصال داریوش ۹۲

چهارم - خُشیارشا ۹۲

جهات عدم پیشرفت ایران در این جنگ ۹۷

خصال خُشیارشا ۹۸

پنجم - اردشیر اوّل / اَزَت خُشتر ۹۸

ششم - خُشیارشای دوم ۱۰۰

هفتم - سَعدیانش ۱۰۰

هشتم - داریوش دوم ۱۰۰

نهم - اردشیر دوم / اَزَت خُشتر ۱۰۱

دهم - اردشیر سوم ۱۰۴

یازدهم - اَرشک ۱۰۵

۱۰۵	دوازدهم - داریوش سوم
۱۰۶	فصل دوم: قشون‌کشی اسکندر به ایران و انقراض سلسله هخامنشی
۱۰۶	مقدمه
۱۰۷	جنگ گرانیک
۱۰۸	جنگ ایستوس (۳۳۳ ق. م)
۱۱۰	جنگ گوگامل
۱۱۳	فصل سوم: تمدن ایران در دوره هخامنشی
۱۱۳	دولت هخامنشی
۱۱۴	تشکیلات
۱۱۵	داوری مجازات‌ها
۱۱۵	سپاه
۱۱۶	مذهب
۱۱۸	طبقات
۱۱۹	صنایع
۱۲۰	آثار دوره هخامنشی در پاسارگاد
۱۲۱	در تخت جمشید
۱۲۱	نقش رستم
۱۲۲	در شوش
۱۲۲	در سروستان و فیروزآباد
۱۲۳	زبان و خط
۱۲۳	کتیبه‌ها
	باب سوم: دوره مقدونی و یونانی - اسکندر و سلوکی
	(۱۲۶ - ۱۳۳)
۱۲۶	فصل اول: فتوحات اسکندر بعد از فوت داریوش سوم
۱۲۶	تسخیر ممالک شرقی ایران
۱۲۷	سفر جنگی به هند
۱۲۸	مراجعت اسکندر به ایران و فوت او

فصل دوم: طرز رفتار اسکندر - کارهای او ۱۲۹

فصل سوم: جانشینان اسکندر - سلوکی‌ها ۱۳۲

باب چهارم: دوره پارتی‌ها

(۱۶۶ - ۱۳۵)

فصل اول: پارتی‌ها و شاهان اشکانی ۱۳۵

پارت یغ - خراسان ۱۳۵

اشک ۱: ازبک اول ۱۳۶

اشک ۲: نیرداد اول ۱۳۶

اشک ۳: اردوان اول ۱۳۷

اشک ۴: فری یسنگ ۱۳۷

اشک ۵: فرهاد اول ۱۳۷

اشک ۶: مهرداد اول (۱۶۰ - ۱۳۸ ق.م.) ۱۳۸

اشک ۷: فرهاد دوم ۱۳۸

اشک ۸: اردوان دوم ۱۳۹

اشک ۹: مهرداد دوم / بزرگ ۱۳۹

ارمنستان ۱۴۰

آسیای صغیر ۱۴۱

نخستین ارتباط ایران با روم ۱۴۱

اشک ۱۰: سن‌دروگ ۱۴۱

اشک ۱۱: فرهاد سوم (۶۹ - ۶۰ ق.م.) ۱۴۲

اشک ۱۲: مهرداد سوم ۱۴۳

اشک ۱۳: اُرد اول (۵۵ - ۳۷ ق.م.) ۱۴۳

حَزَان و مَارَاتْن ۱۴۶

اشک ۱۴: فرهاد چهارم ۱۴۶

جنگ دوم با روم ۱۴۶

جنگ سوم با روم ۱۴۸

ارمنستان ۱۴۹

اشک ۱۵: فرهاد پنجم ۱۵۰

اشک ۱۶: اُرد دوم ۱۵۰

۱۵۰	اشک ۱۷: وانان
۱۵۰	اشک ۱۸: آزدوان سوم
۱۵۱	اشک‌های ۱۹، ۲۰، ۲۱: واردان، گودرز، وانان دوم
۱۵۱	اشک ۲۲: بلاش اول
۱۵۳	تاجگذاری تیرداد در روم
۱۵۴	بلاش، پاکز دوم، آزدوان چهارم
۱۵۴	اشک ۲۳: خسرو (۱۰۷ - ۱۳۳ م.)
۱۵۶	اشک‌های ۲۴ و ۲۵: بلاش دوم و بلاش سوم
۱۵۶	اشک ۲۶: بلاش چهارم
۱۵۷	اشک ۲۷ و ۲۸: بلاش پنجم و اردوان پنجم

۱۵۹	فصل دوم: اسامع ایران در دوره پارتی‌ها - تمدن اشکانی
۱۵۹	بسط قدرت اشکانی
۱۶۰	تشکیلات دولت اشکانی
۱۶۱	مذهب
۱۶۲	زبان و خط
۱۶۳	صنایع و فنون
۱۶۴	تجارت
۱۶۵	مسکوکات
۱۶۶	مذاهب خارجه
۱۶۶	نتیجه

باب پنجم: دوره دوم پارسی‌ها

(۲۰۸ - ۱۶۷)

۱۶۷	فصل اول: شاهان ساسانی
۱۶۷	مقدمه
۱۶۸	اول: اردشیر اول (آزت خُشتر)
۱۷۰	دوم: شاپور اول (شاه پُوهر)
۱۷۰	جنگ اول با روم
۱۷۱	جنگ دوم - اسارت والرین
۱۷۲	کارهای شاپور در هنگام صلح

۱۷۳	سوم: هرمز اول (اَنوهُرْمَزْدَ)
۱۷۳	چهارم: بهرام اول (وَرَه ران)
۱۷۴	پنجم: بهرام دوم (وَرَه ران)
۱۷۴	ششم: بهرام سوم (وَرَه ران)
۱۷۴	هفتم: نرسی (نِزِیْسَه)
۱۷۶	هشتم: هرمز دوم (اَنوهُرْمَزْدَ)
۱۷۶	نهم: آدر نرسی (آدَر نِزِیْسَه)
۱۷۷	دهم: شاپور دوم (شَاه پُوهُر) / بزرگ
۱۷۷	جنگ اول با روم
۱۷۸	۱۱ گ دوم با روم (۳۵۹ - ۳۶۳ م.)
۱۸۱	یازدهم: اردشیر دوم (اَزَت خَشْتَر)
۱۸۱	دوازدهم: شاپور سوم (شَاه پُوهُر)
۱۸۱	سیزدهم: بهرام سوم (وَرَه ران)
۱۸۲	چهاردهم: یزدگرد اول (يَزْدَكْرَت)
۱۸۳	پانزدهم: بهرام پنجم (وَرَه ران)
۱۸۴	جنگ با روم شرقی
۱۸۵	شانزدهم: یزدگرد دوم (يَزْدَكْرَت)
۱۸۶	هفدهم: هرمز سوم (اَسوهُرْمَزْدَ)
۱۸۶	هیجدهم: فیروز اول (بِیروز)
۱۸۷	جنگ‌های هیاطله
۱۸۸	نوزدهم: بلاش (وُلْگاش)
۱۸۹	بیستم: قباد اول (کَوَات)
۱۸۹	پیدایش مَزْدَك، خلع قباد و بازگشت او به سطلنت
۱۹۰	جنگ با بیزانس
۱۹۰	جنگ دوم با بیزانس
۱۹۲	مَزْدَكی ها
۱۹۲	بیست و یکم: خسرو اول انوشیروان عادل (خُسراو اَنوَشْک رَیان)
۱۹۳	سیاست داخلی
۱۹۴	سیاست خارجه
۱۹۵	جنگ اول با بیزانس
۱۹۵	جنگ برای لازیکا
۱۹۶	جنگ با هیاطله

۱۹۷	جنگ با خزرها
۱۹۷	دست نشاندگی یمن
۱۹۷	جنگ با ترک‌ها
۱۹۸	جنگ سوم با بیزانس (۵۷۲ - ۵۷۹ م.)
۱۹۹	خصال انوشیروان
۲۰۰	بیست و دوم: هرمز چهارم (أهورمَزْد)
۲۰۱	بیست و سوم: خسرو دوم معروف به خسرو پرویز (خُسراوْ اَپَرُوِیز)
۲۰۲	جنگ‌های خسرو پرویز با بیزانس
۲۰۴	جنگ‌های هَرَقْل
۲۰۴	محاصره قسطنطنیه
۲۰۵	دَهْدَه گَزْد (در سال ۶۲۷ م.)
۲۰۵	خلع بتل خسرو پرویز
۲۰۶	خسایا خسرو پرویز
۲۰۷	بیست و چهارم: قبا دوم (قباوات)
۲۰۷	بیست و پنجم: اردشیر سوم (اَرْدَشِیر خِشْتَر)
۲۰۸	بیست و ششم: الی سی (چهار زمان هرج و مرج)
۲۰۸	سی و پنجم: یزدگرد سوم (یَزْدَغَرْت)
۲۰۹	نهضت عرب به طرف ایران
۲۰۹	مقدمه
۲۱۰	جنگ ذوقار
۲۱۱	جنگ زنجیر
۲۱۱	جنگ پُل (۱۳ هجری)
۲۱۲	جنگ قادسیه مداین (۱۴ هجری = ۶۳۶ م.)
۲۱۴	جنگ جلولاء
۲۱۵	جنگ نهاوند (۲۱ هجری = ۶۴۲ م.)
۲۱۵	تسخیر ایالات ایران و فوت یزدگرد
۲۱۶	سلسله ساسانی پس از فوت یزدگرد
۲۱۷	ایران پس از جنگ نهاوند

۲۱۸	فصل دوم: تمدن ایران در دوره ساسانی
-----	------------------------------------

مبحث اول

۲۱۸	طبقات، تشکیلات، مسکوکات، تجارت، روابط خارجه
۲۱۸	طبقات
۲۲۰	تشکیلات اداری
۲۲۱	مالیه
۲۲۲	لشگر
۲۲۳	داوری
۲۲۴	چهارخانه ها
۲۲۵	روحانیون
۲۲۵	مسکوکات ساسانی
۲۲۶	ذخیره نقدی خزانه
۲۲۷	حرفت و تجارت
۲۲۷	روابط ایران با دول خارجه

مبحث دوم

۲۲۹	مذاهب در دوره ساسانی
۲۲۹	مذهب زرتشتی
۲۲۹	زمان پیدایش زرتشت
۲۳۰	زندگانی زرتشت
۲۳۱	آیین زرتشت
۲۳۳	مذهب مانی
۲۳۵	مذهب مزدک
۲۳۶	قسمت دوم: مهرپرستی / میتر (مهر)
۲۳۷	مذهب عیسوی و بودایی
۲۳۷	مذهب عیسوی
۲۳۸	مذهب بودایی
۲۳۸	معتقدات آرایان های ایرانی از نظر تاریخ

مبحث سوم

۲۴۰	اخلاق - مجازات‌ها
۲۴۰	اخلاق
۲۴۱	مجازات‌ها

مبحث چهارم

۲۴۲	زبان، کتب پهلوی، ادبیات، خط، تاریخ
۲۴۳	زبان - کتب پهلوی
۲۴۵	ادبیات
۲۴۶	خط - دوره ساسانی
۲۴۷	تاریخ

مبحث پنجم

۲۴۸	صنایع
۲۴۸	معماری و حجاری
۲۵۰	کتیبه‌های ساسانی
۲۵۱	نقاشی
۲۵۲	شعر
۲۵۲	موسیقی
۲۵۲	زبان‌ها و خطوط ایران قدیم
۲۵۳	دوم - خطوط

۲۵۴ خاتمه

۲۵۴	یک نظر اجمالی به چهارده قرن ایران باستان
۲۵۶	کارهایی که آریان‌های ایرانی برای تمدن بشر کرده‌اند

۲۵۹ ضمیمه

۲۶۱	فهرست سلسله‌هایی که در ایران قدیم سلطنت کرده‌اند
-----	--

مقدمه

شکل جغرافیا، فلات ایران

مملکتی که ما آن را ایران می‌نامیم قسمت اعظم سرزمین وسیعی است که در جغرافیا موسوم به فلات ایران است. این منطقه و بوم پهن اور، شامل جلگه وسیع و بلندی است که از هر طرف کوههای بلند آن را احاطه داده. در مشرق، سه رشته کوه متوازی که معروف به کوههای سلیمان است. در شمال کوههای آبرز که مانند زنجیری از شرق به غرب امتداد یافته، این کوهها در غرب از کوههای ارمنستان جدا شده. از جنوب، دریای خزر گذشته به واسطه کوه بابا به هندوکش پیوسته و این هم به هیمالایا بلندترین کوهی عالم متصل است. در مغرب فلات کوههای کردستان یا زاگروس^۱ واقع است که از شمال به جنوب و با یک به طرف جنوب و مشرق برگشته به دریای عمان می‌رسد.

کوههای جنوب و مشرق از مواد آهکی است.^۲ در کوههای غرب، نزدیک دریاچه اورمیّه^۳ سنگ خارا نیز دیده می‌شود. بعضی از کوههای شمال از مواد آتشفشانی^۴ تشکیل یافته یعنی مواد آنها از قعر زمین بیرون آمده، مانند دماوند در نزدیکی تهران و سبلان در آذربایجان، این آتشفشانها، اکنون خاموش است.

اعلا درجه بلندی فلات ایران در جنوب آن و سرایشی فلات از جنوب به شمال است، زیرا در کرمان ارتفاع آن تقریباً ۱۶۰۰ متر است و حال آنکه در مشهد از ۱۰۵۰ و در تبریز از ۱۲۰۰ تجاوز نمی‌کند.^۴

مساحت فلات ایران دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع یا تقریباً پنجاه و پنج هزار فرسخ

۱. اروپاییها چنین نامند.

۲. یعنی از عصر سوم معرفت الارضی.

۳. اسم این دریاچه را جغرافیون عرب و غیره اورمیّه ضبط کرده و در روایات قدیمه ما آن را چپ چست یا چپ گست نامیده‌اند.

۴. متر، معادل یک گز از مقادیر جدید یا پانزده گره و شش عشر است.

مربع می‌باشد.^۱ ایران امروزی از این مساحت دارای شصت و سه درصد یا تقریباً دو ثلث از کل است و آن چه باقی می‌ماند متعلق به ممالکی است، مانند افغانستان و بلوچستان و غیره که در اثر حوادث تاریخی از اوایل قرن سیزدهم هجری متدرجاً از ایران جدا شده‌اند.

آب و هوای فلات ایران خشک است، بخصوص در قست مرکزی آن که موسوم به «کویر لوت» و یکی از گرمترین جاهای دنیا است، به استثنای گیلان و مازندران و سواحل خلیج پارس که بازندگی در آنجاها زیاد است در سایر نقاط ایران مجموع مقدار باران در عرض سال تقریباً از سه گره و نیم تا چهار گره و نیم تجاوز نمی‌کند.^۲ در شمال ایران بادهای باران‌آور زیاد می‌وزد ولی وقتی به کرعهای بلند البرز برمی‌خورد، غالباً به طرف جنوب آن تجاوز نمی‌کند، از این جهت در گیلان، مازندران بارندگی زیاد می‌شود در صورتی که صفحات جنوبی این کوه خشک است.

بادهای دیرینه و سرد از دو سمت است، شمال غربی و جنوب شرقی؛ اولی از اثر بادهای تند شمال آمریکا است که از اقیانوس اطلس عبور کرده از راه دریای مغرب^۳ به شامات و آسیای صغیر می‌رسد و از آنجا به ایران می‌رسد. دومی از اقیانوس هند تولید شده، به طرف ایران می‌وزد. علت اینکه جهت این بادهای تغییر نمی‌کند از این جاست که بادهای مذکور باید از دالان تنگ سلسله‌های جبال بگذرد و بدیهی است که کوهها، جا و جهت عوض نمی‌کنند، در بعضی از قسمتهای ایران، بادهای مانند باد ۱۱۰ روزه^۴، وزش منظم و تند دارد.

در وسط فلات ایران، رودی که قابل کشتیرانی باشد، منحصر به کارون است. رود مزبور که از کوههای بختیاری شروع می‌شود در خوزستان جاری است و به شط‌العرب می‌ریزد. رودهای دیگر از این قرار است: در شمال آرس و سرخ‌رود یا قزل‌آهه^۵ که پس از اینکه به شاهرود پیوست سفیدرودش نامند) و آترک. این سه رود به دریای خزر می‌ریزد. در اصفهان زاینده‌رود که در باتلاقی گم می‌شود. در طرف مشرق مرغاب و هریرود که در صحرائ ترکمن فرو می‌روند. در سیستان هیلمند یا «هیرمند» و در حد شمال شرقی فلات ایران رود بربر^۶، آمده که از بدخشان شروع شده به دریای آرال می‌ریزد.^۴

۱. کیلومتر، معادل یک میل از مقدر جدید یا ۹۷۵ ذرع است.

۲. از ۲۲ الی ۲۸ سانتیمتر.

۳. مدیترانه را در ایران بعضی دریای سرخ یا بحر ابيض می‌نامند، ولیکن این اسم در جغرافیا به دریای سفید که با اقیانوس منجمد شمالی مربوط است اطلاق شده، دریای مدیترانه را اکثر ملل از جهت موقع آن در میان سه قاره دریای «میان زمین» نامیده‌اند، ولی چون این اسم مانوس نیست، لابد باید آن را مانند قدما دریای مغرب یا روم نامید. در این کتاب اسم اولی اختیار شده است.

۴. این رود در زمان اسکندر به دریای خزر می‌ریخته و سفاین تجارتی از آمویه به دریای مزبور و از این راه به رود (کوروش)

فلات ایران دارای چند دریاچه است و علمای معرفت‌الارض آنها را باقیمانده دریایی می‌دانند که وقتی قسمت اعظم فلات ایران را در زیر خود داشته. دریاچه‌های مزبور از قرار ذیل است:

در شمال و غرب فلات مجاور آن: دریاچه ارومیه، در طرف غرب آذربایجان و دریاچه وان در ترکیه در ۱۵ فرسخی حدود ایران و دریاچه گمی‌چای در قفقازیه. مهمترین اینها، دریاچه ارومیه است که عمق آن پانزده ذرع و آب آن خیلی شور و تقریباً در ارتفاع هزار متر از سطح دریای اقیانوسی واقع است.^۱ در پارس دو دریاچه مَهارلو^۲ و نی‌ریز^۳، در سیستان دریاچه هامون که فاضلاب آن در سالهایی که بارندگی می‌شود به گودِ زَره می‌ریزد. در کرمان، هامون دیگری است موسوم به نمک^۴، (بعضی اسم این دریاچه را جَزَمَریان نوشته‌اند). آب دو رود کوچک بمپور و هلیل به این هامون می‌ریزد. بین تهران و قم، دریاچه قم یا حوض سلطان.

از طرف شمال، چنانکه گفته شد، فلات ایران به دریای خزر محدود است. این اسم به مناسبت مردمانی است که موسوم به خزر^۵ بوده و در کنار شمال غربی این دریا، قرونی به سر برده‌اند.^۴ این دریا از حیث عمق به سبب قسمت ته سیم شده و گودترین جاهای آن در قسمت جنوبی است، زیرا شمال دریا از جهت لای رود^۶ آدیارلگا^۷ که به دریا می‌ریزد کم عمق می‌باشد.^۵ سطح دریا ۲۶ متر از سطح دریای اقیانوسی پایین‌تر است و تنانکه به تجربه رسیده، همواره فرو می‌رود. سبب آن را از تابستان‌های بسیار گرم و تبخیر آب دریا می‌دانند.

فلات ایران از طرف جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود است. خلیج مزبور که از گرمترین جاهای دنیا است و شبه جزیره عربستان را از این جدا می‌کند، به واسطه بغاز هرمز با بحر عمان، اتصال می‌یابد و با تمام دنیا از این راه مربوط است. شمال‌العرب به این خلیج می‌ریزد و ملل قدیمه عالم مانند سومری‌ها و اکدی‌ها و عیلامی‌ها و کلدانی‌ها و پارسی‌ها و نیز اعراب ارتباط تاریخی نزدیک با این خلیج داشته‌اند و سواحل آن مهد تمدنهای حامی بوده، قدیمه است.

جزایر بسیاری در این خلیج است که بزرگترین آنها قشم و بحرین می‌باشند. فلات ایران دارای



یا کورای کنونی (در قفقازیه) می‌رفته، بعد این رود، مجرای خود را تغییر داده و آب خود را به دریای آرال ریخته، در ۱۲۲۰ میلادی مَول‌ها برای خراب کردن ارگنج پایتخت خوارزم، آب رود را به طرف شهر مزبور بردند و در نتیجه آمویه به مجرای سابق افتاد و تقریباً سه قرن این مجرا را می‌بیمود، ولی بعد باز تغییر مجرا داده و به طرف دریای آرال رفت، چنانکه حالا هم به این حال باقی است، چون دریاچه آرال را در جغرافیا، دریا گفته‌اند مؤلف هم دریا نوشته.

۱. دریای اقیانوسی یعنی دریایی که با اقیانوس مرتبط است، مانند خلیج پارس و غیره.

۲. بعضی مَحَلو نوشته‌اند.

۳. دریاچه نی‌ریز به بختگان هم معروف است.

۴. اروپایی‌ها، آن را کاسپین می‌نامند. از اسم مردمان بومی غرب ایران که به «کاس سو» موسوم بوده‌اند. این اسم در جمع

«کاسپ» یا «کسپ» می‌شده، جغرافیون عرب، کاسپین را «قزبین» کرده‌اند.

۵. عمق آن در شمال تقریباً ۴۰ و در جنوب ۹۵۰ متر است.

معادن زیادی است، از قبیل مس، آهن، سرب، زغال سنگ، مرمر، گِل سرخ، فیروزه و غیره و چنانچه غلمای فن گویند، قسمت بزرگ فلات ایران روی نفت قرار گرفته، ولیکن چون به استخراج معادن هنوز کاملاً نپرداخته‌اند محصولات آن بیشتر زراعتی است و از جهت آب و هوای بتری و کمی بارندگی در بعضی از قسمتهای ایران زراعت فقط آبی است، وی کلیتاً زراعت دیمی در ایران غلبه دارد.

شمال و مغرب فلات ایران، از حیث نباتات از قسمت مرکزی و شرقی غنی تر است. جهت آن در شمال تا سلسله کوه البرز دریای خزر و در غرب اثر دریای مغرب است که هر چند در فلات ایران فایف می‌باشد ولی باز در قسمتی از مغرب آن نافذ است.

جاهایی که آب باشد خاک دره‌ها حاصلخیز است و نباتات قوت زیاد دارد. خاک دره‌ها و دامنه‌ها، بویژه یعنی لای است که از سیلابها و رودهای روی زمین مانده، ولی وقتی که از سطح زمین قدری پست تریم غالباً به سنگ و ریگ و ماسه می‌رسیم.^۱ اگر چه عرض جغرافیایی فلات ایران تقریباً از بیست و چهار درجی شمالی است و نمی‌بایست در این عرض اختلافات زیاد بین آب و هوای نقاط مختلف در آن باشد، ولیکن به واسطه اختلاف ارتفاع یا موقع خاصی در کنار دریاها و دریاچه‌ها یا در پناه کوهها یا در نزدیکی کویر، اختلاف زیاد در آب و هوای قسمتهای مختلف فلات ایران حاصل شده و از این جهت، همه قسم درخت و گل و ریحان در ایران می‌روید. راههای تجارت و روابط امروزی سکونت‌نات ایران تقریباً همان است که در ازمنه تاریخی بوده، لذا فقط بعضی را که برای تاریخ اهمیت دارد ذکر می‌کنیم:

راهی که از بین‌التهرین به فلات ایران می‌آمد، از آنجا که بعدها موسوم به سلوکیه^۲ گردید و در نزدیکی بغداد کنونی بود از دجله گذشته و متابعت وادی^۳ را محوده، به آرتمیتا در نزدیکی قزل‌رباط امروزی می‌رسید و بعد به شالاکه کرسی حلوان^۴ بود. سپس می‌گشت، از اینجا صعود به فلات ایران شروع می‌شد و راه مزبور بعد از گذشتن از کوههای زاگرس^۵ و کوههای^۶، تقریباً کرمانشاه امروزی وارد وادی بلند کرخه می‌شد و پس از عبور از کنگاور (یا کنگبار قدیم)^۷ به همدان منتهی می‌گشت و همدان به واسطه راههای مختلف با شوش و شهرهای دیگر ارتباط می‌یافت.

از راههای دیگر، راههایی که از فلات ایران به هند می‌رود شایان توجه است. یکی از آنها، راهی است که از وادی کابل شروع شده و از کوههای سلیمان گذشته به پیشاور که در وادی سند

۱. از این نوع علایم گمان می‌کنند که در عصر چهارم معرفت الارضی قسمت اعظم فلات در زیر آب بوده.

2. Seleucie

۳. حلوان، قلعه‌ای بود در کوههای کردستان در نزدیکی گرکوک.

4. Kambadene

5. Konkobar

